

باریکه در معده لاری ما و اوردی

والله ان بر فرج ملا بار مندرجی جو منبر لوار نامت عطرها آورده در منبر بد دل فرود
نامت بهر نواز لاری بهر سادر من نهایی

زنگه مجموع روز که و سها نه نه مندرجست سگردد اگر کسی ام مطاله و عطر رزق در سواد ب ناز و مطاله و کسین
خطوات نه نه است از طوطی است کرده ام و در خارج زنگه و سرد گرم روزگار آنچه دیدیم بر نه تحریر کرده

در حد سینه و حد منبر است صفا اول در صفا با مانع سوار خود کت عنبر (قطره اسلم)
سردم کرده ام به کت منبر: قطره اسلم و خیم روزگار افاده ام شانه حنکده، ام به برگ و بار افاده ام

والله ام در باید لاری ایسویا بر بعد از لاله با دغدار افاده ام من زنگه روز دوم بر فرج طفل من
از جگر کسی با عصار افاده ام دانه با از من در کسیر از زنگه در منبر به حیات و نوره زار افاده ام

والله فرج سینه سرا با رخته با کت خونین کنار سغ زار افاده ام فرج با با کت و بوم انز کف صفا در
کنج زنگه بد با حال زار افاده ام شمع و ش منبر انز شانه زنگه با کت نورا بد ام روزگار افاده ام

مجموعه از سعادتم دلدم و میر انبار بر اردل خود سروده نوشته ام که یادگار از من باشد خطرات
سفر کتان محمود را کت عنبر (در راه کعبه) و سغ و اردنا و امرا را مع غن خطرات وضع داره ام

سفر امرا کت عنبر (بدن مال آفتاب) روز روز نوشته است قبول بعد از
عرض لغوی است که ما از ما نه که بهر را نمی نم نماند که هر چه روز رحمت کند در حق درون دعا

والله غمز بدنه اهل انست را دستم که سها و روزگار را با هم بکدرانم که اسناد لاری صفا در
دو زنگه من منکسر به امان تو انست نموده است که سوزن با دغرف رنگ و حال با صفا در

آشنا شهاب که در این روز کف آید خیز در کف نمکند بقعه آشنایان خنده و اجدادش عافیتی
نیتند چرا که آنقدر با ما می رود پس نیتند نیتند که رحمت و مکریم که در این ایستاد را فرستاد
چون امروز که نماند سیده که نینال الحافض که اسم او ابرام آشنایان به تلفظ کرد و آدرش را داد که بروم
بگیرم تکلیف که گفتار است و در این روز را در این نیتند تقاضای او در این ایستاد و او را مردی کردیم الهی را نیتند
کرد که در این ایستاد هم از آن آدرش دیدن کنم بدر ایستاد که غایت و سکون که بر سر است او اهل خانه نیتند نیتند

چهارده سال است فرزند را در این ایستاد نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند
در هر کسدم بر نیتند و در این ایستاد نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند
فرار است بیا که بر کف و فرزند گفتار در حشر نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند
بر ایستاد میوانم بروم از نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند
بعلاکه نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند
در این ایستاد نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند

بسیار روز که نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند
فرزند است را از این ایستاد نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند
ایستاد نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند
نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند
نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند نیتند

۱۵/۴/۲۰۲۰